

بیمه بیکاری

از: محمدولی جوهریان

جبران غرامت کارگرانی که شغل خود را از دست می دهند یکی از چهار شاخه اصلی تأمین اجتماعی بعد از بیمه درمان، بیمه بازنشستگی و کمکهای عائله مندی است. بیمه بیکاری با آنکه در کشور ما بسیار جوان است و از آغاز آن بیش از هشت سال نمی گذرد، سومین کشور در خاورمیانه است که دارای این بیمه شده. توضیح آنکه طبق بررسی وزارت بهداشت و امور اجتماعی آمریکا^۱ در ۱۳۹ کشور عمده جهان^۲ تقریباً همه آنها (جز سه کشور) دارای نوعی بیمه حوادث ناشی از کار هستند. بعد از آن بیمه بازنشستگی و سالیانوردگی قرار دارد که تقریباً عمومیّت دارد (۱۲۷ کشور). اما پوشش خطر بیماری ناشی از بارداری تنها در ۷۹ کشور دیده می شود. در درجه آخر بیمه بیکاری قرار دارد که تنها ۲۹ کشور^۳ از آن برخوردارند. در خاورمیانه فقط دو کشور (مصر و اسرائیل) چنین بیمه ای دارند.

تعاریف

بیکاری به معنای اخص عبارت است از وقفه غیرارادی و طولانی کار به طوری که یافتن شغل تازه امکان پذیر نباشد. ناتوانی جسمانی (بیماری، ازکارافتادگی و سالیانوردگی) با اینکه همان اثربیکاری یعنی از دست دادن تنه منابع درآمد را دارد بیکاری محسوب نمی شود. معمولاً سه نوع بیکاری تشخیص داده می شود:

۱. بیکاری ناشی از ناهماهنگی که از بی تعادلی بین عرضه و تقاضا پدید نمی آید، بلکه از نبود قابلیت نیروی کار ناشی می شود. در این حالت بیکاران قادر نیستند به تقاضاهای کار پاسخ دهند، زیرا شرایط مورد نیاز را ندارند یا آنکه در محلی که کار عرضه می شود اقامت ندارند.

۲. بیکاری ساختاری یا بیکاری تکنولوژیکی که از تغییرات اقتصادی یا فنی ناشی

می‌شود. مانند رکود در یک رشته از صنعت، مثلاً از اهمیت افتادن زغالسنگ یا تمام خودکار شدن دستگاهها یا استفاده روز افزون از روباتها به جای انسانها.

۳. بیکاری دوره‌ای که حادثر است و از بحرانهای بزرگ اقتصادی سرچشمه می‌گیرد.

پیامدهای بیکاری

گذشته از آنکه شخصی که بیکار می‌شود درآمدش را از دست می‌دهد به‌طورکلی بیکاری امری مذموم و مغایر شئون بشر بوده و دارای آثار سوء اخلاقی و روحی است.

بیکاری از یک سو، همبستگی و مسؤولیت مشترک طبقه کارگر را خنثی و حتی خرد می‌کند. از سوی دیگر رقابتی که برای یافتن کار بین کارگران پیش می‌آید بالمآل به سود کارفرما تمام می‌شود.

خطر بیکاری طبقه کارگر را همواره در حالت بیم و نگرانی نگاه می‌دارد.

بیکاری از لحاظ اقتصادی و اجتماعی نیز نتایج بدی دارد و بر روی حجم تولید اثر مستقیم می‌گذارد.

از لحاظ سیاسی گسترش بیکاری، سبب ایجاد و برقراری رژیمهای تک‌حزبی و خودمختار می‌شود (مانند رژیم گذشته ناسیونال سوسیالیسم آلمان).

مشکلات بیمه بیکاری

ساده‌ترین راهی که برای جبران زیان ناشی از بیکاری به‌نظر می‌رسد بیمه بیکاری است. این بیمه رشته خاصی از بیمه‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهد. ایجاد چنین بیمه‌ای با مشکلاتی در زمینه اقتصادی به‌ویژه فنی روبه‌روست که مهمترین آنها به شرح زیر است:

در اقتصاد امروزی، از یک سو بیکاری خطری است که در مقیاس وسیع و غیرقابل پیش‌بینی رخ می‌دهد و حال آنکه اکتوئرها در بیمه‌های دیگر با خطرهایی روبه‌رو هستند که می‌توانند تقریباً با دقت آنها را پیش‌بینی و برآورد کنند. ولی در بروز بیکاری نه زمان وقوع و نه شدت و نه مدت آن هیچ‌گاه قابل پیش‌بینی نیست مانند خطرهای سیل، زلزله و جنگ.

از سوی دیگر، بیمه بیکاری بیش از همه در بیکاریهای دوره‌ای که از بحرانهای بزرگ اقتصادی برمی‌خیزد مفید است. اما اجرای آن با مشکلات زیاد توأم است. زیرا این نوع بیکاری بسیاری از مشاغل را دربر می‌گیرد و به قسمت اعظم جامعه شاغلان سرایت

می‌کند. در چنین موقعی هزینه مزایای بیمه در صورتی که برحسب دستمزد تعیین شده باشد، افزایش چشمگیری خواهد یافت.

خطر بیکاری ممکن است به‌طور نابرابر بین مشاغل گوناگون توزیع شود. روشن است که اگر تنها مشاغل حساس در برابر بیکاری بیمه شوند تعادل مالی بیمه‌گر برهم می‌خورد. از این رو، در این بیمه لازم است مشاغلی هم که کمتر در معرض خطر بیکاری قرار دارند بیمه شوند تا از این راه تعاون و همبستگی عمل بیمه میسر گردد. به عبارت دیگر این بیمه باید اجباری باشد.

اکنون به بررسی این موضوع می‌پردازیم که آیا شرکت‌های بیمه بازرگانی هم می‌توانند در این بیمه فعالیت کنند؟

خطر بیکاری از لحاظ بیمه‌های بازرگانی

برای اینکه در بیمه‌های بازرگانی خطری بتواند تضمین شود باید پنج شرط زیر تحقق یابد:

۱. خطر باید کاملاً اتفاقی رخ دهد و حادثه‌ای که منجر به زیان می‌شود خارج از اراده و کنترل بیمه شده باشد. به عبارت دیگر خطر اخلاقی^۴ نباید وجود داشته باشد یا تا سرحد امکان کاهش داده شده باشد.
۲. باید تعداد زیادی خطر با ارزشهای برابر در پرتفوی بیمه‌گر وجود داشته باشد تا قانون اعداد بزرگ بتواند نقش خود را ایفا کند.
۳. زیان وارده باید قابل ارزیابی و اندازه‌گیری باشد.
۴. بیمه‌گر باید بتواند خطر هر بیمه شده را از طریق آمار محاسبه و پیش‌بینی کند. هنگامی که بیمه‌گر از کیفیت خطر اطلاع ناقص داشته باشد و این شرط تحقق نیابد در اصطلاح فنی به آن انتخاب معکوس گفته می‌شود.
۵. ارزشهایی که در معرض نابودی قرار دارند نباید به صورت تجمعی باشند. به عبارت فنی‌تر نباید بین خطرهای پوشش داده شده کواریانس مثبت وجود داشته باشد.

هرگاه یک یا چند شرط از این شرایط وجود نداشته باشد، یا باید تدابیر مخصوصی در بیمه بازرگانی به کار برد یا آنکه آن را به بخش دولتی واگذار کرد که در صورت لزوم قسمتی از آن بتواند از طریق سوبسید تأمین شود. یا باید به صورت بیمه اجباری که همه افراد جامعه را دربرگیرد درآید.

حال به بررسی هر یک از این شرایط می‌پردازیم با این قصد که ببینیم کدام بیشتر با بیمه بازرگانی ناسازگار است.

۱. خطر اخلاقی

این خطر ممکن است هنگامی که شخص کار خود را از دست می‌دهد یا آنکه بیکار می‌شود و می‌خواهد شغل جدیدی اختیار کند روی دهد. در شروع بیکاری چون ممکن است بین کارگر و کارفرما توطئه‌ای در کار باشد. بیمه‌گر می‌تواند شرط مدت انتظار در قرارداد را تعیین کند. با این شرط بیمه‌شده در چند روز اول بیکاری پوشش ندارد. بنابراین بیمه‌شده انگیزه‌ای که به نحوی عمداً موجبات بیکاری خود را فراهم آورد ندارد. در مورد یافتن شغل جدید مسأله حادث‌تر است و در فرهنگ اقتصاد بحثهای مفصلی صورت گرفته که آیا بیمه بیکاری در یافتن شغل پایدار عامل مساعد محسوب می‌شود یا عامل بازدارنده؟ در مواردی که فقط جزئی از غرامت جبران می‌شود و شرط حداکثر مدت پرداخت مقرری وجود دارد خطر اخلاقی در بین نخواهد بود.

اگر بیمه بازرگانی کمبود بیمه دولتی را تضمین کند به طوری که صددرصد غرامت جبران شود در این صورت ممکن است خطر اخلاقی بروز کند.

گسترش بیمه بیکاری تکمیلی که شرکتهای بیمه بازرگانی انجام می‌دهند، برای آنان که وام مسکن دریافت می‌دارند، پدیده‌ای است بسیار جالب و لازم. زیرا برای وام‌گیرنده امکان پس‌انداز احتیاطی وجود ندارد و از طرفی بانکها مایل اند خود را در پناه خطر عدم پرداخت اقساط وام در اثر بیکار شدن وام‌گیرنده قرار دهند. در این مورد خطر اخلاقی بسیار کمتر از اقشار دیگر جامعه است.

۲. قانون اعداد بزرگ

به اتکای وجود این قانون بیمه‌گر می‌تواند تقریباً با اطمینان متوسط مبلغ غرامتی را که باید به هر بیمه‌شده پردازد پیش‌بینی کند و با اینکه هر فرد را از خطری که با آن مواجه است می‌رهاند خودش زبانی متحمل نمی‌شود. از اینجا نقش اقتصادی و اجتماعی بیمه آشکار می‌گردد.

اگر یک شرکت بیمه بازرگانی که ۵۰۰,۰۰۰ کارگر را که در مناطق مختلف جغرافیایی و بخشهای مختلف صنعتی توزیع شده‌اند بیمه کند پیداست قانون اعداد بزرگ درباره آن صدق می‌کند. پس بیمه‌گر می‌تواند با دقت زیاد کل مبلغی را که بابت خسارت در هر دوره به هر بیمه‌شده می‌پردازد محاسبه کند. اگر امروزه شرکتهای بازرگانی از قبول بیمه

بیکاری خودداری می‌کنند شاید به این علت است که فراهم ساختن این تعداد بیمه شده با چنین توزیعی برایشان امکان‌پذیر نیست.

۳. امکان اندازه‌گیری زیان

در این مورد برای بیمه‌بیکاری اشکال زیادی وجود ندارد. زیان مالی شخص بیکار عملاً به راحتی سنجش‌پذیر است. زیرا این زیان به دستمزد قبلی او ربط دارد. اما جمع غرامتها مستقیماً به مدت بیکاری وابسته است. با این حال شرط حداکثر مدت پرداخت این مشکل را محدود می‌سازد. تعیین غرامت مقطوع در بیمه‌بیکاری بیمه‌های بازرگانی با اشکال کمتری روبه‌رو است. لذا مسأله برآورد غرامت، توجیه‌کننده دولتی بودن این بیمه نمی‌تواند باشد. اما مسأله دیگری وجود دارد و آن جبران غرامت جوانانی است که هنوز مشغول کار نشده و در جست‌وجوی کار هستند^۵. در این مورد پیداست پوشش این خطر را بخش خصوصی نمی‌تواند انجام دهد.

۴. انتخاب معکوس

این مشکل در زمان محاسبه حق بیمه روی می‌دهد. اگر بیمه‌گر و بیمه‌شده هر دو درباره خطر به یک اندازه اطلاع داشته باشند محاسبه حق بیمه آن آسان است. مشکل از آنجا ناشی می‌شود که بیمه‌شده آگاهی‌هایی درباره خطر دارد که بروز نمی‌دهد و بیمه‌گر از آن ناآگاه می‌ماند.

اگر متغیر تصادفی را که نشان دهنده مبلغ غرامت است X و امید ریاضی آن را به $E(X)$ نشان دهیم حق بیمه P برابر است با:

$$P = (1 + \lambda)E(X)$$

که در آن λ نرخ بارگذاری است که شامل هزینه‌های شرکت بیمه و سود عادلانه اوست. اگر حق بیمه بر این اصل استوار باشد تبادل متقابل بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار برقرار است. برخلاف، اگر بیمه‌شده در مورد خطر اطلاعات بیشتری از بیمه‌گر داشته باشد که این امر در خطر بیکاری متصور است مسأله انتخاب معکوس پیش می‌آید. در این حالت، بیمه‌گر چون قادر نیست حق بیمه صحیح بیمه‌شده را محاسبه کند براساس خطر متوسط قضاوت می‌کند. خطری که کلاً در مجموع بیمه‌شدگان وجود دارد و از این طریق حق بیمه متوسط را محاسبه خواهد کرد. این روش را نرخ‌گذاری جمعی^۶ نامند. در نتیجه افرادی که خطر کمتری دارند حق بیمه را سنگین می‌بینند و از بیمه روی برمی‌گردانند. از این رو شرکت بیمه طبعاً تنها خطرهای بد را بیمه می‌کند و در این صورت پیداست که ضرر خواهد کرد. زیرا حق بیمه براساس نرخ متوسط گروه محاسبه شده اما خطرهایی که برای بیمه‌گر باقی مانده از حد متوسط شدیدتر است.

برای در امان بودن از این پدیده که در بیمه‌های درمان هم صدق می‌کند، شرکت‌های بازرگانی تدابیر زیر را به کار می‌برند:

الف) بیمه گروهی اجباری: اگر مؤسسه‌ای بخواهد این بیمه را اختیار کند لازم است تمام کارکنان خود را تحت پوشش قرار دهد تا از بیمه‌نشدن افرادی که کمترین خطر را دارند دوری به عمل آید. نرخ این بیمه گروهی از طریق تجربه به دست می‌آید لذا در داخل گروه حق بیمه یکسان است ولی از یک بیمه‌گذار به بیمه‌گذار دیگر فرق می‌کند.

ب) عرضه قراردادهایی با نرخهای جانشینی (نسبت مستمری که بیمه‌شده بیکار دریافت می‌دارد به حقوقی که بی‌درنگ قبل از بیکار شدن دریافت می‌داشته است): فایده این روش آن است که افرادی که خطر کمی دارند قراردادی را بر می‌گزینند که نرخ جانشینی آن کم است. وقتی بیمه شدگان با آزادی نرخ جانشینی را انتخاب کنند شرکت‌های بیمه بهتر می‌توانند حق بیمه را تصحیح کنند. روش برقراری فرانشیز نیز اثر مشابه دارد.

۵. واریانس یا تجمع خطرها

برای آنکه خطری بتواند بین تعداد زیادی افراد توزیع شود لازم است خطر هر بیمه شده مجزا و مستقل از خطر سایر بیمه‌شدگان باشد. گرچه این شرط در بسیاری از بیمه‌های غرامتی برقرار است (آتش‌سوزی، اتوموبیل...) اما در بیمه بیکاری به هیچ‌وجه صدق نمی‌کند. زیرا خطر بیکاری از یک سو معلول تغییرات اقتصادی است و از سوی دیگر به ناحیه و محل وابسته است. در نتیجه خطر بیکاری یک فرد به افراد دیگر وابسته است و تشدید می‌شود. پس در این صورت شرکت بیمه نمی‌تواند مبلغ متوسط غرامتها را در هر دوره با تقریب کافی حساب کند. رفع این مشکل جز از طریق بیمه دولتی (سازمانهای بیمه اجتماعی یا تأمین اجتماعی) امکان‌پذیر نیست.

آسیب‌پذیری و اشتغال‌پذیری شغلی

در تحلیل پویایی بیکاری به دو مفهوم یا اصطلاح برمی‌خوریم: یکی احتمال اینکه یک شاغل بیکار شود که آن را «آسیب‌پذیری شغلی» خوانند و دیگر احتمال اینکه یک شخص بیکار کار پیدا کند که به آن «اشتغال‌پذیری شغلی» گویند.

ترکیب نرخ آسیب‌پذیری و اشتغال‌پذیری، طبقه کارگر را به چهار گروه تقسیم می‌کند:

۱. اشتغال‌پذیری ضعیف و آسیب‌پذیری ضعیف. کارگران سالخورده به این گروه

تعلق دارند.

۲. اشتغال‌پذیری قوی و آسیب‌پذیری قوی. این گروه به‌طورکلی جوانان را دربر

می‌گیرد که در عین آنکه آسیب‌پذیرند اشتغال‌پذیر نیز هستند.

۳. اشتغال‌پذیری قوی و آسیب‌پذیری ضعیف که شامل مشاغل با ثبات است.

۴. اشتغال‌پذیری ضعیف و آسیب‌پذیری قوی. این گروه از افرادی تشکیل می‌شود که تحت تأثیر دوران بیکاریهای مکرر و درازمدت قرار دارند.

اشتغال‌پذیری جوانان زیاد است ولی درجه آسیب‌پذیری ایشان نیز نسبتاً بالاست. بی‌تردید کارگران سالخورده به سبب اجرای طرحهایی مانند بازنشستگی قبل از موعد آسیب‌پذیرند ولی اشتغال‌پذیری ایشان با بالا رفتن سن به سرعت رو به کاهش می‌گذارد. با تشبیهی که گهگاه در جهت پایان دادن به کار صورت می‌گیرد (مانند بازنشستگی قبل از موعد یا تشویق به انصراف زنان از ادامه کار) سعی بر این است که افراد با اشتغال‌پذیری کم را وارد بازار کار کنند و برخلاف، افرادی که آسیب‌پذیری کمی دارند را از بازار کار خارج گردانند. با اعمال سیاست آموزش حرفه‌ای اشتغال‌پذیری بیکاران ممکن است بهتر یا آسیب‌پذیری‌شان کمتر شود.

بررسی وضع بیکاری در چند کشور

در زیر به بررسی اجمالی وضع بیکاری در شش کشور آلمان، بلژیک، کانادا، فرانسه، انگلستان و سوئد که دارای اوضاع و احوال متفاوتی در زمینه بیکاری هستند می‌پردازیم. جدول ۱، اطلاعاتی کلی از وضع بیکاری در این کشورها به دست می‌دهد. با این حال لازم است به تعداد کل مشاغل (جدول ۲) نیز نظر افکنیم. تحولات بیکاری مربوط است به فعالیت اقتصادی ولی به عوامل جمعیتی نیز مربوط می‌شود. یعنی به نسبت شمار جوانانی که وارد بازار کار می‌شوند و تعداد سالخوردگانی که از آن خارج می‌گردند. همچنین به عوامل اجتماعی (گسترش کار زنان) و تدابیر منفی مانند توسعه بیمه بیکاری و تدابیر مثبت مانند بسط مراکز کارآموزی و بازآموزی مربوط می‌شود.

از جدولهای ۱ و ۲ حائلهای زیر ملاحظه می‌شود:

در کانادا نرخ بیکاری از مدتها قبل بالا بوده و نوسانهای شدیدی داشته که در درازمدت روبه افزایش بوده است. کل مشاغل رشد چشمگیری داشته است.

رشد بیکاری در چهار کشور شدید بوده است. در فرانسه با نظم بیشتر و در سه کشور (آلمان، سوئد و انگلستان) با شتاب فزونی.

از جدول ۳، مطالب زیر استنباط می‌شود:

اختلاف نرخ بیکاری بین مردان و زنان در فرانسه و کانادا بسیار زیاد است، در آلمان

ناچیز و در سوئد اختلافی بین دو جنس وجود ندارد. ارقام مربوط به انگلستان را باید با احتیاط تلقی کرد. زیرا سیستم معروف به «کمک» و فراهم ساختن حداقل درآمد برای هر خانواده موجب شده تا زنان تمایل زیادی برای ثبت بیکاری خود نداشته باشند.

در همه کشورهای جوانان بسیار آسیب‌پذیر بوده‌اند و نرخ بیکاری‌شان بالاست. اما افراد سالخورده بیشتر در معرض بیکاری درازمدت (اشتغال پذیری کم) قرار دارند. در سوئد که نسبت نرخ بیکاری جوانان به سالخوردگان زیادتر است سبب این است که از یک سو، در آنجا، برخلاف آلمان، نرخ کلی بیکاری کم است. از دیگر سو، نرخ اشتغال بعداً از سن ۶۰ سال در بلژیک، فرانسه و آلمان کاملاً افت کرده است. یکی از علتهای عمده آن اجرای برنامه بازنشستگی‌های قبل از موعد است.

در مجموع و بدون توجه به طبقات سنی و جنسی می‌توان نتایج زیر را به دست آورد:
- دو کشور بلژیک و انگلستان دارای نرخ بیکاری بسیار بالایی هستند و با مشکلات زیادی دست به گریبان. بلژیک در اشتغال پذیری و انگلستان در آسیب‌پذیری مشکلات بیشتری دارند.

جدول ۱. نرخهای بیکاری برحسب تعداد شاغلان

کشور سال	۱۹۷۰	۱۹۷۵	۱۹۸۰	۱۹۸۵
کانادا	۵/۶	۶/۹	۷/۴	۱۰/۴
بلژیک	۲/۱	۵/۰	۸/۸	۱۳/۲
فرانسه	۲/۴	۴/۰	۶/۳	۱۰/۱
آلمان	۰/۸	۳/۶	۳/۰	۸/۶
سوئد	۱/۵	۱/۶	۲/۰	۲/۸
انگلستان	۳/۰	۴/۳	۶/۶	۱۳/۲

Statistiques de la population active OCDE

مأخذ:

جدول ۲. تعداد کل مشاغل کشور (به هزار)

کشور سال	۱۹۷۰	۱۹۷۵	۱۹۸۰	۱۹۸۵
کانادا	۷,۹۱۹	۹,۲۸۴	۱۰,۷۰۸	۱۱,۳۱۱
بلژیک	۳,۶۵۸	۳,۷۸۱	۳,۷۹۷	۳,۶۶۲
فرانسه	۲۰,۳۲۸	۲۰,۸۸۵	۲۱,۳۴۷	۲۰,۹۰۰
آلمان	۲۶,۱۶۹	۲۵,۲۸۵	۲۵,۷۷۱	۲۵,۰۱۰
سوئد	۳,۸۵۴	۴,۰۶۲	۴,۲۳۲	۴,۲۴۴
انگلستان	۲۴,۳۸۱	۲۴,۷۰۳	۲۴,۹۸۳	۲۴,۱۲۰

BIT statistiques de la population active

مأخذ:

جدول ۳. ساختار بیکاری در سال ۱۹۸۶

کشور	نرخ بیکاری برحسب درصد کل شاغلان			نرخ بیکاری جوانان *	فرکانس بیکاری درازمدت برحسب درصد کل بیکاران	
	کل	مردان	زنان		۶ ماه و بیشتر	۱۲ ماه و بیشتر
کانادا	۱۱/۴	۸/۶	۱۷/۲	—	۸۰/۷	۶۸/۹
بلژیک	۹/۵	۹/۳	۹/۹	۱۵/۲	۲۵/۶	۱۰/۹
فرانسه	۱۰/۴	۸/۵	۱۳/۱	۲۳/۴	۷۰/۰	۴۷/۸
آلمان	۸/۰	۷/۰	۹/۴	۸/۴	۵۲/۲	۳۲/۰
سوئد	۲/۷	۲/۷	۲/۷	۵/۶	۲۱/۸	۸/۰
انگلستان	۱۱/۶	۱۳/۵	۸/۹	۲۰/۷	۶۰/۲	۴۱/۱

* برحسب درصد کل شاغلان جوان

مأخذ:

Perspectives de l'Emploi OCDE (1987)

- مسأله آسیب‌پذیری شغلی، کانادا را متمایز می‌کند. برخلاف، فرانسه با مشکلات اشتغال‌پذیری مواجه است. در این کشور بازار کل مشابه بلژیک است. در آلمان شکل اشتغال‌پذیری به‌ویژه برای جوانان کمتر است. سوئد از لحاظ کم بودن بیکاری متمایز است.

روشهای جبران غرامت

در جبران زیان بیکاری دو نوع طرز تفکر وجود دارد. یکی، به پدیده بیکاری از دیده خیرخواهی و کمک به نیازمندان می‌نگرد و رفع آن را از وظایف دولت می‌داند. دیگری، طبقه کارگر را منحصراً سزاوار این تأمین به صورت خدمتی متقابل می‌شناسد. ابتدا تأمین بیکاری با روش کمکهای دولتی آغاز شد. در آلمان در سال ۱۹۲۷، صندوق جبران زیان بیکاری تأسیس شد. بعد از ۱۳ سال یعنی در سال ۱۹۴۰ در کانادا، بلژیک، انگلستان و سوئد با پشتیبانی و کمک دولت این نوع صندوقها آغاز به کار کردند. در فرانسه در سال ۱۹۵۸ بیمه بیکاری از طرف سیستم کنوانسیون سندیکایی شروع به کار کرد. در مورد جبران زیان بیکاری می‌توان سه وضع مختلف زیر را تشخیص داد:

۱. سیستم کشورهای انگلستان و کانادا دولتی است و خود دولت آن را اداره می‌کند. در کانادا بار مالی طرح در اصل از طریق حق بیمه تأمین می‌شود.

۲. در دو کشور سوئد و بلژیک، سندیکاها نقش عمده‌ای در اداره صندوق دارند. در بلژیک یک سیستم دولتی و متمرکز وجود دارد ولی در سوئد عدم تمرکز وجود دارد و بیمه بیکاری اجباری نیست.
۳. در دو کشور فرانسه و آلمان اداره صندوق با مشارکت نمایندگان کارگران و کارفرمایان به طور برابر انجام می‌شود.

گسترش جبران زیان بیکاری

تا سال ۱۹۶۰ سیستمهای جبران زیان بیکاری تغییرات محسوسی نداشت. از این سال به بعد در شرایط و میدان عمل این تأمین تغییراتی به عمل آمد. این تغییرات را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

۱. مشمول ساخت‌گروههایی که تا این تاریخ تحت پوشش نبوده‌اند مانند چند رشته شغلی در فرانسه و کانادا و جوانانی که برای نخستین بار جویای کار شدند، در فرانسه و بلژیک.
 ۲. بالا بردن معلومات شغلی و کارایی از راه برقراری دوره‌های کارآموزی و بازآموزی.
 ۳. بهبود مزایا مانند افزایش نرخ جانشینی (نسبت مقرری زمان بیکاری به حقوق زمان اشتغال) در فرانسه، کانادا و آلمان، بازنگری در مبلغ غرامتهای مقطوع در بلژیک و انگلستان، تسهیل در تشریفات برقراری و اعطای این مزایا در کانادا.
- جالب آنکه در زمان رکود سالهای ۶۸-۱۹۶۷ که نقاط ضعف سیستمهای جبران غرامت آشکار شد، این مقررات وضع و به موقع اجرا درآمده است.
- تدابیر و اقداماتی که در بالا ذکر شد توانست با بحران مقابله کند اما بسیار زود لزوم کنترل و محدود ساختن هزینه‌ها آشکار شد. تلاش در جهت جست‌وجوی راه حل تعادل مالی، دگرگونی تازه‌ای به وجود آورد و در همه کشورهای برنامه‌های پرخرج یا غیرضرور حذف شد.

روش جبران غرامت از طریق بیمه

استفاده از این روش موکول به پرداخت حق بیمه است و در نتیجه وجود سوابق کار مورد نیاز است. در هیچ کشوری سیستم اکتواریایی را به کار نمی‌برند. به عبارت دیگر بین حق بیمه و سطح خطر بیکاری رابطه وجود ندارد. با این حال سعی می‌شود در شرایط، مدت و مزایا تا حدی بین حق بیمه و جبران غرامت، رابطه برقرار باشد. مزایایی که کشورها پرداخت می‌کنند بر سه نوع است:

۱. مزایای مقطوع مانند سوئد، انگلستان و بلژیک تا سال ۱۹۷۱.
۲. مزایای تناسبی با دستمزد که معمولاً سقف دارد، مانند آلمان و کانادا.
۳. مزایای مخلوط از (مزایای مقطوع و مزایای تناسبی).

روش جبران غرامت از طریق کمک دولت

شرایط پذیرش برای استفاده از این روش برحسب کشورها متفاوت است. این شرایط عبارتند از:

- دارا بودن حداقل مدت سابقه کاری و کسب درآمد در آلمان. در نتیجه در این کشور نخستین متقاضیان کار بدون پوشش‌اند.
- شرایط درآمد خانوادگی در انگلستان استفاده از دو روش را توأم امکان می‌سازد. استفاده از روش کمک دولت منحصر به از دست دادن شغل نیست.
- در فرانسه و سوئد دستیابی به کمک برای بیکارانی که مدت مقرری‌شان پایان یافته یا جوانانی که برای نخستین بار جویای کار هستند میسر است.
- در آلمان، انگلستان و بلژیک مقرری به مدت نامحدود پرداخت می‌شود ولی در فرانسه و سوئد این مدت محدود است.

حفظ تعادل در اندوخته

با محاسبه‌ای ساده می‌توان بررسی کرد که تا چه اندازه تعادل اندوخته به هزینه‌ها و تغییرات دستمزد وابسته است.

اگر S_x کل دستمزدهای سال X و K نرخ سالانه تغییر آن باشد

$$S_{x+1} = (1+K)S_x$$

اگر t نرخ یکنواخت حق بیمه و d_x هزینه سال X باشد مبلغ اندوخته در پایان سال $X+1$

$$r_{x+1} = r_x + t S_{x+1} - d_{x+1}$$

عبارت است از:

$$r_x = 0.02 S_x$$

اگر داشته باشیم:

$$r_{x+1} = 0.02 S_x + t S_x (1+K) - d_{x+1} = (0.02 + t + tK) S_x - d_{x+1} = \frac{0.02 + t}{1+K} S_{x+1} - d_{x+1}$$

برای اینکه $r_{x+1} \geq 0.02 S_{x+1}$ باشد باید:

$$\frac{0.02 + t}{1+K} S_{x+1} - d_{x+1} \geq 0.02 S_{x+1}$$

$$\frac{d_{x+1}}{S_{x+1}} = \pi \leq t - 0.02 \frac{K}{1+K}$$

$$t - \pi \geq 0.02 \frac{K}{1+K}$$

یعنی

شرط ثبات اندوخته عبارت است از:

پس هرگاه ثبات نسبی در اندوخته‌ها برابر با ۲ درصد دستمزد شرطی لازم در نظر گرفته شود نرخ هزینه‌ها نیز ثابت بماند اگر نمو سریعی در دستمزد روی دهد حفظ یک نرخ حق بیمه مشکل ترمی شود. اگر حجم دستمزد از یک سال به سال دیگر به میزان ۵ درصد، ۱۰ درصد و ۱۵ درصد ترقی کند برای نگه‌داری ثبات نسبی لازم است اندوخته‌ها به ترتیب برابر با ۰/۰۹۵ درصد، ۰/۰۱۸ درصد و ۰/۲۶ درصد دستمزدها باشد.

پس از بیان کلیاتی که گذشت اکنون می‌پردازیم به بررسی مقررات بیمه بیکاری یا بهتر بگوییم روش جبران زبان بیکاری در چند کشور نمونه. ابتدا از کشور خودمان آغاز می‌کنیم سپس به ترتیب و به اختصار روش کشورهای انگلستان، آلمان، کانادا و سوئد را از نظر می‌گذرانیم.

۱. بیمه بیکاری در ایران

آغاز بیمه بیکاری

قانون بیمه بیکاری در ایران ابتدا در ۱۳۶۶ به‌طور آزمایشی به مدت سه سال به تصویب رسید. سپس به‌موجب قانون ۲۱ مهر ۱۳۶۹ در آن بازنگری به‌عمل آمد. مفاد قانون و آیین‌نامه‌های مربوط به اجرای آن به‌شرحی است که از نظر خوانندگان می‌گذرد:

تعریف بیمه شده بیکار

از نظر قانون، بیکار بیمه‌شده‌ای است که بدون میل و اراده بیکار شده و آماده کار باشد. به نظر می‌رسد که منظور از بدون میل و اراده آن است که نه اراده بیمه‌شده و نه اراده کارفرما در بیکاری دخالت نداشته باشد. همچنین بیکاری ناشی از تقصیر بیمه شده مشمول بیمه نیست. قانون، بیکاری غیرارادی مشمول بیمه را از عوامل زیر دانسته است:

الف) سوانح طبیعی مانند سیل و زلزله

ب) جنگ و آتش‌سوزی

پ) جابه‌جایی کارگاه و ماشین‌آلات با هدف کاستن از وابستگی و افزایش تولید که در جهت سیاستهای اقتصادی و اجتماعی دولت صورت می‌گیرد.

تشخیص غیرارادی بودن بیکاری برعهده واحد کار و وزارت کار و امور اجتماعی محل است.

در قانون صراحتاً از بیکاری ناشی از بحرانهای اقتصادی که می‌تواند شدیدترین بیکاریها را به دنبال داشته باشد ذکر می‌شود که به‌عمل نیامده است.

سازمان اداری

اداره بیمه بیکاری به وزارت کار و امور اجتماعی و سازمان تأمین اجتماعی محول شده است. سازمان اخیر عهده‌دار پرداخت غرامت بیکاری است.

حایزین شرایط

تمام افرادی که مشمول تأمین اجتماعی هستند به موجب قانون اجباراً تحت پوشش بیمه بیکاری قرار دارند به استثنای افراد زیر:

(الف) بازنشستگان و ازکارافتادگان که از مزایای بیمه مستمری استفاده می‌کنند.

(ب) صاحبان حرفه و مشاغل آزاد

(پ) بیمه شدگان اختیاری

(ت) اتباع خارجی

در قانون صراحتاً ذکر می‌شود از بیکاران مشاغل فصلی نشده است.

تشریفات برقراری مقرر بیکاری

این تشریفات در کشور ما بسیار ساده و شامل مراحل زیر است:

(الف) بیمه شده بیکار باید طی ۳۰ روز از شروع بیکاری، خود را به واحد کار و امور اجتماعی محل معرفی و کتباً تقاضای کار کند. و به این طریق آمادگی خود را برای قبول کار تخصصی یا مشابه نشان دهد.

(ب) چنانچه متقاضی نتواند در این فاصله ۳۰ روز به واحد کار و امور اجتماعی مراجعه کند تا ۳ ماه بعد از شروع بیکاری فرصت دارد مدارک خود را مبنی بر عذر موجه به واحد کار و امور اجتماعی برای طرح در هیأت حل اختلاف محل تسلیم دارد.

(پ) در صورتی که هیأت حل اختلاف عذر متقاضی را موجه تشخیص دهد مراتب را به واحد کار و امور اجتماعی اعلام می‌کند.

(ت) بیمه شده در این فاصله موظف است در فاصله‌های زمانی معین شده به واحد کار و امور اجتماعی محل مراجعه و دفتر حضور و غیاب را امضا کند تا بدین وسیله آمادگی خود را برای کار ثابت گرداند.

(ث) اداره واحد کار و امور اجتماعی در صورتی که غیر ارادی بودن بیکاری را تأیید کند وی را به سازمان تأمین اجتماعی برای برقراری مقرر معرفی می‌کند.

(ج) سازمان تأمین اجتماعی حداکثر تا ۱۰ روز پس از دریافت معرفی نامه (در صورتی که بیمه شده را حایز شرایط تشخیص دهد) در برقراری مقرر اقدام می‌کند.

موارد قطع مقررى بیمه بیکاری

مقررى بیمه بیکاری در موارد زیر قطع می شود:

(الف) زمانی که بیمه شده مجدداً اشتغال به کار یابد.

(ب) بنابه اعلام واحد کار و امور اجتماعى محل یا نهضت سوادآموزى و سایر واحدهای ذی ربط از طریق وزارت کار و امور اجتماعى مبنی بر اینکه بیمه شده بیکار بدون عذرموجه از شرکت در دوره های کارآموزى یا سوادآموزى خودداری کرده است.

(پ) بیمه شده بیکار از قبول رشته تخصصى خود یا شغل مشابه پیشنهادى خودداری ورزد.

(ت) بیمه شده بیکار ضمن دریافت مقررى بیمه بیکاری مشمول استفاده از مستمرى

بازنشستگی یا ازکارافتادگی شود.

(ث) بیمه شده به نحوی از انحا یا دریافت مزد ایام بلا تکلیفی به سرکار خود بازگردد.

سایر مزایای بیمه بیکاری

۱. بیمه شده بیکار و افراد تحت تکفل او در مدت دریافت مقررى از خدمات درمانى

تأمین اجتماعى استفاده می کنند.

۲. مدت دریافت مقررى بیمه بیکاری جزو سوابق پرداخت حق بیمه از نظر

بازنشستگی و ازکارافتادگی و فوت محسوب می شود.

۳. مقررى بیمه بیکاری مانند سایر مستمریهای تأمین اجتماعى از پرداخت هرگونه

مالیات معاف است.

مدت پرداخت مقررى بیمه بیکاری

جمع مدت استفاده از مقررى بیمه بیکاری یک یا چند بار بیمه شده در طول مدت

بیمه به دو عامل وابسته است: سابقه پرداخت حق بیمه و وضع خانوادگی. ولی در هر

حال این مدت نمی تواند کمتر از ۶ و بیشتر از ۵۰ ماه باشد. در جدول زیر، این مدت

برحسب هر دو عامل، نشان داده شده است:

مدت پرداخت حق بیمه	سابقه پرداخت حق بیمه
متأهل	مجرد
از ۶ تا ۲۴ ماه	۶ ماه
از ۲۵ تا ۱۲۰ ماه	۱۲ ماه
از ۱۲۱ تا ۱۸۰ ماه	۱۸ ماه
از ۱۸۱ تا ۲۴۰ ماه	۲۶ ماه
از ۲۴۱ ماه به بالا	۳۶ ماه

بیمه شدگان بیکار که سن آنها ۵۵ یا بیشتر است از این مقررات مستثنی هستند و تا هنگامی که مشغول کار نشده‌اند می‌توانند تا رسیدن به سن بازنشستگی از مقرری بیمه بیکاری استفاده کنند.

مبلغ مقرری بیمه بیکاری

میزان مقرری روزانه بیمه شده بیکار معادل ۵۵ درصد متوسط مزد یا حقوق یا کارمزد روزانه بیمه شده است.

متوسط مزد یا حقوق روزانه عبارت است از جمع کل دریافتی بیمه شده که به مأخذ آن در آخرین ۹۰ روز قبل از شروع بیکاری حق بیمه دریافت شده تقسیم بر روزهای کار. در مورد بیمه شدگانی که کارمزد دریافت می‌کنند آخرین مزد عبارت است از جمع کل دریافتی بیمه شده که به مأخذ آن در آخرین ۹۰ روز قبل از شروع بیکاری حق بیمه دریافت شده تقسیم بر ۹۰. در صورتی که بیمه شده طی ۳ ماه مذکور مدتی از غرامت دستمزد استفاده کرده باشد متوسط مزدی که مبنای محاسبه غرامت دستمزد قرار گرفته به منزله دستمزد ایام بیکاری تلقی و در محاسبه منظور خواهد شد.

افزایش مبلغ مقرری

به مقرری افراد متأهل یا متکفل، تا حداکثر ۴ نفر از افراد تحت تکفل به ازای هر یک از آنان ۱۰ درصد حداقل مقرری اضافه می‌شود. در هر حال مجموع دریافتی مقرری بگیر نباید از حداقل دستمزد کمتر و از ۸۰ درصد متوسط مزد یا حقوق وی بیشتر باشد. افراد تحت تکفل در این قانون عبارت‌اند از:

۱. همسر (زن یا شوهر)

۲. فرزندان دختر، تا هنگامی که ازدواج نکرده و شغلی نداشته باشند.

۳. فرزندان پسر که سن آنان کمتر از ۱۸ سال تمام باشد یا منحصرأ به تحصیل اشتغال داشته یا طبق نظر پزشک معتمد سازمان تأمین اجتماعی از کارافتاده کلی باشند.

۴. پدر و مادر که سن پدر از ۶۰ متجاوز باشد یا طبق نظر پزشک معتمد سازمان از کارافتاده کلی باشند. در هر حال، بیمه شده به تنهایی وسایل معاش آنها را تأمین کند.

۵. خواهر و برادر تحت تکفل در صورت داشتن شرایط مربوط به فرزندان دختر و پسر مذکور در بالا.

شرط استفاده از مزایای بیمه بیکاری

برای استفاده از دریافت مقرری بیمه بیکاری بیمه شده باید قبل از آغاز بیکاری دارای شش ماه سابقه بیمه باشد.

نرخ حق بیمه

نرخ حق بیمه برابر ۳ درصد دستمزد بیمه شده است که پرداخت آن تماماً به عهده کارفرما محوّل شده است.

تدابیر اشتغال‌زایی و آسیب‌زدایی شغلی

قانون بیمه بیکاری از یک سو در جهت ایجاد مشاغل جدید و از دیگر سو در جهت کاهش بیکاری ترتیبات زیر را مقرر داشته است:

کارفرمایان موظف‌اند با هماهنگی شوراهای اسلامی و نمایندگان کارگران فهرست محل‌های خالی شغلی را که ایجاد می‌شوند به مراکز خدمات اشتغال محل اعلام دارند. محل‌های شغلی مذکور (به استثنای رده‌های شغلی کارشناسی به بالا) را منحصراً مراکز خدمات اشتغال و با معرفی بیکاران تأمین می‌کنند.

همچنین قانون مزبور دولت را مکلف ساخته است همه ساله از طریق سیستم بانکی و منابع اعتباری سازمان تأمین اجتماعی و با استفاده از اعتبارات قرض‌الحسنه طرح‌های اشتغال‌زایی مشخصی را برای اشتغال به کار بیکاران مشمول این قانون در بودجه سالانه کشور پیش‌بینی و رأساً یا از طریق شرکت‌های تعاونی یا خصوصی با نظارت وزارت کار و امور اجتماعی اجرا کند.

بیکاران مشمول این قانون در اخذ پروانه‌های کسب و کار و موافقت اصولی و تأسیس واحدهای اقتصادی از وزارتخانه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی با معرفی وزارت کار و امور اجتماعی در اولویت قرار خواهند داشت.

سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است با اجرای قانون بیمه بیکاری آموزش مهارت‌های مورد نیاز بازار کار و نیز بازآموزی و تجدید مهارت کارگران تحت پوشش بیمه بیکاری را در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای یا مراکز آموزش جوار کارخانه‌ها فراهم کند. هزینه‌های مربوط از محل اعتبارات حساب صندوق بیمه بیکاری قابل پرداخت است.

نهضت سوادآموزی موظف است با همکاری کارفرمایان و وزارت‌های ذیربط نسبت به تشکیل کلاسهای سوادآموزی برای بی‌سوادان مشمول این قانون اقدام کند.

۲. بیمه بیکاری در انگلستان

(۱) نرخ بیکاری ۱۱/۹ درصد (پایان سال ۱۹۸۳)

(۲) تعداد بیکاران ۳,۰۷۹,۴۰۰ (دسامبر ۱۹۸۳)

(۳) تعداد بیکاران جبران شده ۲,۵۱۰,۰۰۰ (نیمه ۱۹۸۳)

(۴) هزینه جبران زیان ۵ میلیارد لیره (سال مالی ۸۳-۱۹۸۲)

جبران زیان بیکاری در انگلستان خصوصیات خاصی دارد که می‌توان آن را از جهاتی الگو قرار داد. در این کشور در مورد بیکاری سه نوع مزایا از سه منبع مختلف وجود دارد:

- مزایای بیمه بیکاری^۷

- مقرری بیمه بیکاری^۸

- جبران زیان کارگران اخراجی^۹

الف) مزایای بیمه بیکاری

به شخص بدون کار در صورت دارا بودن شرایط لازم و آماده بودن برای قبول شغل و داشتن دست کم سابقه پرداخت ۲۶ قسط حق بیمه هفتگی^{۱۰} براساس حداقل دستمزد در طول سال مالی قبل از شروع بیکاری مقرری پرداخت می‌شود. در عمل برای به دست آوردن مقرری کامل چند ماه کافی است (۳ تا ۶ ماه). در اکتبر ۱۹۸۴ مبلغ مقرری کامل در هر هفته ۲۷ لیره بود. در صورتی که همسرش نیز کار نمی‌کرد، ۱۶/۷ لیره به آن اضافه می‌شد و برای هر طفل ۲۸ پنی پرداخت می‌گردید (رقم به سن طفل وابسته بود). مقرری به مدت ۳۱۱ روز غیر تعطیل قابل پرداخت است. دیده می‌شود مزایای قانونی برحسب هزینه خانوادگی فرق می‌کند. این قاعده یکی از مشخصات اصلی روش بریتانیاست که در سیستم بیمه‌ای، عامل نیاز را وارد ساخته‌اند.

مقرری مخفف به بیکارانی تعلق می‌گیرد که سابقه پرداخت حق بیمه‌شان به حد نصاب بالا نرسیده باشد. سابقه لازم در پرداخت حق بیمه این نوع مقرری هر چه دستمزد پایه بیشتر باشد کوتاهتر است.

پرداخت این مقرریها تابع قواعد چندی است:

- در ابتدای شروع این بیمه مدت انتظار، ۶ روز بود که سپس به ۳ روز تقلیل یافت.
- هرگاه کارگر به اراده خود کار را ترک کند یا در اثر تقصیر یا ناشیگری اخراج شده باشد ممکن است مقرری او تا ۶ هفته معلق بماند. بعد از این مدت مقرری به او پرداخت می‌شود مشروط بر اینکه مرتباً به دفتر کاربابی سرزنند و اگر کاری به او ارجاع شد، شانه خالی نکند. در غیراین صورت این مدت تکرار می‌شود.

ب) مقرری تکمیلی

مقرری تکمیلی در موردی پرداخت می‌شود که مزایای بیمه کمتر از حداقل درآمد تضمین شده باشد. این مقرری تنها مختص بیکاری موردی نیست بلکه به خانواده‌های

بی‌بضاعت و به از کار افتادگانی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند و از مقرری بیمه نمی‌توانند بهره ببرند و به طور کلی به افرادی که درآمدها شان ناکافی تشخیص داده می‌شود نیز تعلق می‌گیرد.

در سال ۱۹۷۲، حدود ۷۰۰،۰۰۰ نفر دریافت‌کننده مزایای قانونی بودند (۵۱ درصد از بیمه، ۳۳ درصد از کمک و ۱۶ درصد از هر دو استفاده می‌کردند) و در سال ۱۹۸۲، از ۲/۲ میلیون دریافت‌کننده مزایای قانونی، نسبت‌های بالا به ترتیب عبارت بودند از: ۳۳ درصد از بیمه (مقرری مقطوع)، ۵۶ درصد از کمک (مقرری تکمیلی) و ۱۱ درصد از هر دو. پس ملاحظه می‌شود که کمک جایگاه مهمتری در نظام بریتانیایی به دست آورده است.

پ) جبران زیان کارگران اخراجی

از لحاظ قانونی، کارفرما موظف به پرداخت غرامت به کارگرانی است که آنان را اخراج می‌کند. از این رو صندوق خاصی برای جبران این زیان وجود دارد. تا سال ۱۹۸۲ تنها قسمتی از سهم حق بیمه کارفرما به این صندوق واریز می‌شد که جدا از صندوق ملی بیمه بود که برنامه حمایت اجتماعی را اجرا می‌کرد. چون این صندوق، زیان نشان داد، یک درصد از افزایش حق بیمه سهم کارگران به این صندوق اختصاص یافت.

مشکلات

هنگامی که یک نظام کمکی، روش بیمه را جذب می‌کند، نتایج مهم زیر را دربر دارد:
* در امور اداری، عنصر مرکزی در سیاست جبران زیان بیکاری وزارت کار نیست بلکه وزارت بهداشت و خدمات اجتماعی است. این نهاد است که حدود کمک و سطح مزایای مربوط را تعیین می‌کند.

* کارگرانی که به دریافت مقرری کمکی اضافی تمایل دارند. باید مجموعه‌ای از تشریفات اداری را انجام دهند و درباره منابع درآمد یا درجه نیاز آنان تحقیق شود. علاوه بر این تشریفات پر زحمت (که گاهی ممکن است به جای باریک بکشد، این تحقیق در هر ۱۵ روز باید تکرار شود).

* اداره‌های خدمات شغلی، ممکن است مقرری کمکی اضافی را حذف کنند و آن در صورتی است که این اداره‌ها تشخیص دهند که ذی‌نفع به حد کافی برای یافتن کار کوشش به کار نمی‌برد.

اداره‌های ملی کمک برحسب اینکه متقاضیان شاغل یا بدون شغل باشند دو روش مختلف به کار می‌برند: در حالت اول یک مقرری خانوادگی معین برحسب سطح درآمد

زمان اشتغال برقرار می‌سازند. درحالت دوم (در مورد بازنشستگان، از کارافتادگان و بیکاران) سیاست درآمد حداقل را به کار می‌برند که نسبت به حالت اول بیشتر جالب توجه است. در حقیقت در اذهان، پذیرفته شده که بیکاران به طور جدی در جست‌وجوی یافتن کار نیستند. از این رو این اشخاص خود را از حق دریافت مزایا حذف شده می‌بینند.

وارد ساختن یک نظام محدود بیمه‌ای در نظام بسیار وسیع کمک، مشکلاتی را که امروزه انگلستان با آن دست‌به‌گریبان است، پدید آورده:

الف) پایین بودن سطح حمایت قابل دریافت و تشریفات زیاد دسترسی به آن.
ب) نوعی بدبینی عمومی در افراد بیکار که آنان را به چشم اشخاص بیکار و مهمَل می‌نگرد.

در مورد نرخ دستیابی به مزایای مختلف بیکاری در ۱۹۷۹ وضع به شرح زیر بوده است:

- ۱۶ درصد، مشمول هیچ‌گونه مزایایی نبوده‌اند و تنها از کمک استفاده کرده‌اند.
 - ۳۲ درصد، مقرری بیمه‌ای دریافت داشته ولی هیچ حقی روی مقرری کمکی نداشته‌اند زیرا حایز شرایط حداقل نبوده‌اند.
 - ۱۰ درصد، مقرری بیکاری اضافی معیشت دریافت داشته‌اند چون زیر خط فقر می‌زیسته‌اند.
 - ۲۰ درصد، بیمه بیکاری عادی دریافت داشته‌اند.
 - ۱۱ درصد، مقرری بیکاری و مقرری اضافی متناسب با مزایا دریافت داشته‌اند.
- پس از هر دو بیکار، یک نفر از جبران زیان محروم بوده و تنها از برنامه کمک استفاده کرده است.

در مورد سطح حمایت باید گفت که در ابتدای سال ۱۹۷۹ یک خانواده با دو طفل که حق مقرری کامل و مقرری اضافی متناسب با درآمد را به دست آورده‌اند کلاً مبلغ ۵۷/۷۵ پوند در هفته دریافت کرده‌اند. اگر درآمد هفتگی این خانواده ۷۵ پوند باشد نرخ جانشینی ۷۷ درصد بوده و اگر درآمدش ۱۰۰ پوند بوده این نرخ ۵۸ درصد و اگر درآمدش ۱۵۰ پوند بوده این نرخ به ۳۸ درصد کاهش یافته است. پس در آن تاریخ هرچه درآمد قبلی بیکاران از مرز ۵۷/۷۵ پوند در هفته زیادتر بوده نرخ جانشینی به طور خودکار زیادتر بوده است.

نارضایتی بیکاران از سیستم جبران زیان به دلایل زیر است:

۱. مقررات خشک و دست‌وپاگیر اداری که کارگران را نومید می‌سازد.
۲. انجام آزمون درآمد که بی‌اندازه شاق و توهین‌آمیز است.
۳. حایز شرایط نبودن یک چهارم اشخاص، خواه به علت نقص پرونده و خواه به دلیل آنکه از قبول شغلی موسوم به مناسب سر باز زده‌اند.

۳. بیمه بیکاری در جمهوری فدرال آلمان

- (۱) نرخ بیکاری (پایان سال ۱۹۸۳) ۸/۷ درصد
 - (۲) تعداد بیکاران (پایان سال ۱۹۸۳) ۲,۳۴۹,۰۰۰ نفر
 - (۳) تعداد بیکاران جبران شده (نیمه سال ۱۹۸۳) ۱,۴۴۲,۰۷۰ نفر
 - (۴) هزینه جبران غرامت، ۲۶ میلیارد مارک
- اساس نظام حمایت اجتماعی آلمان را باید در صندوقهای تعاونی سندیکاها جست‌وجو کرد. نخستین قانون حمایت اجتماعی با حمایت بیسمارک در سال ۱۸۸۳ در زمینه بیمه بیماری اجباری و یک سال بعد در مورد بیمه حوادث کار به وجود آمد و صندوق ویژه‌ای برای اداره آن تشکیل یافت و صندوق سندیکاها اساساً برای کمک به بیکاران اختصاص داده شد.

برقراری این نظام همگانی و اجباری بر پایه دو اصل که امروزه هم پابرجاست قرار دارد: اصل تعادل و اصل نیاز. اصل تعادل را می‌توان نزدیک به روش اکتواریا دانست یعنی هر فرد به نسبت حق بیمه‌ای که پرداخته باید از او رفع زیان شود. بنابراین این نظام آلمان بر پایه نظام بیمه‌ای اجباری استوار است و به همین مناسبت روش آن یک روش بیمه‌ای شناخته شده است. اصل نیاز یعنی تأمین معیشت افراد نیازمند که از کار و درآمد محروم‌اند.

مشخصات بیمه بیکاری

به‌طور کلی تمام کارگران و کارمندان (به استثنای کارگران فامیلی یا اتفاقی، جوانان در جست‌وجوی نخستین کار) بدون توجه به نوع کارشان به‌طور اجباری مشمول بیمه بیکاری هستند مشروط بر اینکه در هفته ۱۹ ساعت یا بیشتر کار کنند. اینان برای دریافت مستمری بیکاری بیمه‌شدگان باید دارای چهار شرط زیر باشند:

۱. در سه سال آخر باید حداقل به مدت یک سال سابقه پرداخت حق بیمه داشته باشند. ولی برای دریافت حداکثر مقرری دارا بودن سابقه پرداخت حق بیمه به مدت سه سال در ۴ سال قبل ضروری است.

۲. باید بیکار شدن خود را کتباً اعلام و تقاضای کار کرده باشند (نباید فعالیتی بیش از ۱۹ ساعت در هفته داشته باشند).

۳. باید استعداد و توانایی کار داشته باشند.

۴. باید اراده خود را به یافتن کار آشکارا نشان دهند.

اداره فدرال کار (OFT) که با نمایندگان مساوی از جانب کارگر و کارفرما عهده‌دار اداره این بیمه است به بیکاران براساس درصدی از درآمد قبلی مقرری بیکاری می‌پردازد. در ۱۹۷۵ نرخ مقرری ۶۲/۵ درصد دستمزد خالص و در ۱۹۸۳، ۶۸ درصد بوده و در ۱۹۸۴ به ۶۲ درصد کاهش یافته است. این نرخها در مواردی است که شخص بیکار فرزند تحت تکفل نداشته باشد. در ۱۹۸۳ با دارا بودن یک سال سابقه شغلی حق دریافت ۴ ماه مقرری به دست می‌آید. از ژوئیه ۱۹۸۷ یک سال فعالیت شغلی ایجاد حق ۶ ماه غرامت می‌کند، لذا نسبت مدت حق بیمه به مدت مقرری دو به یک بود. تمدید پرداخت مقرری افراد سالخورده هم امکان‌پذیر است. به افراد بیش از ۵۴ سال تا ۳۲ ماه غرامت پرداخت می‌شود.

حقوق بیمه بین کارگر و کارفرما بالمناصفه تقسیم می‌شود. در ۱۹۸۴ حق بیمه ۴/۶ درصد دستمزد خالص تعیین شده بود. با اعمال یک سقف (در ۱۹۸۴ این سقف ۵۲۵۴ مارک بود)، ۲/۳ درصد به عهده کارگر و ۲/۳ درصد به عهده کارفرما. نرخ حق بیمه ثابت نیست. در ۱۹۷۳ این نرخ ۱/۷ درصد و در ۱۹۷۵، ۲ درصد و در ۱۹۸۰، سه درصد بود. به‌طور کلی نرخ، تابع وضع مالی اداره فدرال کار است: اصل تعادل بیمه‌ای و توزیع هزینه‌ها ایجاب می‌کند که هر موقع هزینه از درآمد بیشتر شود، نرخ حق بیمه افزایش یابد. دولت در وضع مالی صندوق دخالتی ندارد. کم بودن وجوه صندوق باید از راه افزایش حق بیمه جبران شود. چنانکه نرخ حق بیمه از ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۴ سه برابر شده است.

کمک دولت به بیکاران

به موازات بیمه، یک کمک عمومی به کسانی که بیمه نبوده یا مدت مقرری‌شان پایان یافته (یعنی مدت یک سال مقرری دریافت داشته‌اند یا آنکه درآمدی برای زیستن ندارند) پرداخت می‌شود. مشروط بر اینکه دست کم ۵ ماه حق بیمه پرداخته و به‌عنوان متقاضی کار ثبت نام کرده باشند. پس متقاضیان اولیه از این کمک محروم‌اند. بار مالی این کمک منحصرراً از بودجه عمومی دولت تأمین می‌شود. مبلغ این کمک مانند بیمه درصدی از درآمد بعد از وضع مالیات است. حداکثر آن در ۱۹۸۳، ۵۸ درصد آخرین حقوق خالص بوده است که به افراد متکفل فرزند تعلق می‌گرفت. مدت

پرداخت این کمک نامحدود است و احتمالاً تا زمانی که شخص بیکار به سن بازنشستگی (۶۵ سالگی) برسد ادامه دارد. برای استفاده از نرخ حداکثر، تشریفات باید انجام شود، مثلاً شش ماه در طول دو سال قبل کار کرده باشد. از آنچه گذشت به طور خلاصه نظام جبران زیان بیکاری در آلمان به شرح زیر خلاصه می‌شود:

- یک نظام بیمه‌ای که حق جبران زیان از طریق پرداخت حقیقه حاصل می‌شود و حداکثر پرداخت مقرری آن از یک سال تجاوز نمی‌کند. حقیقه براساس درصدی از درآمد خالص محاسبه می‌شود و برای داشتن اطفال تحت تکفل اضافاتی در نظر گرفته شده است. - یک نظام کمکی از بودجه دولت به بیکاران و نیازمندیانی که از بیمه استفاده نمی‌کنند یا مدت پرداخت مقرری‌شان پایان یافته است وجود دارد. مدت این کمک نامحدود و مبلغ آن برحسب درآمد قبلی محاسبه می‌شود.

به علاوه یک سیستم کمک اجتماعی برای مستمندان و فقرا وجود دارد. در آلمان به این افراد به چشم بیکار می‌نگرند. اما از وجوه صندوق بیکاری تنها برای جبران زیان و پرداخت مقرری استفاده نمی‌شود، بلکه برای مقابله با خطرهای نامرئی که بیکاری را به وجود می‌آورد نیز استفاده می‌شود. با اتخاذ تدابیری کوشش می‌شود علتهای ایجاد بیکاری را تا آنجا که ممکن است خنثی کنند. یکی از خصایص اصلی نظام جبران زیان در آلمان همکاری نزدیک با این قبیل امور است که اصطلاحاً «سیاست پویایی شغلی» خوانده می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۴. بیمه بیکاری در کانادا

- (۱) نرخ بیکاری (پایان سال ۱۹۸۳) ۱۱/۱ درصد
 - (۲) تعداد بیکاران (پایان سال ۱۹۸۳) ۱,۳۴۷,۰۰۰ نفر
 - (۳) تعداد بیکاران غرامت گرفته (پایان سال ۱۹۸۳) ۱,۲۱۲,۰۰۰ نفر
 - (۴) هزینه کل جبران غرامت، ۱۰/۷ میلیارد دلار کانادا
- امروزه کانادا مبالغ هنگفتی صرف این غرامت می‌کند. در ۱۹۸۳ که ارقام قطعی در اختیار بوده هزینه‌های برنامه ۱۰/۲ میلیارد دلار که برابر با ۲/۶ درصد تولید ناخالص ملی را تشکیل داده، بوده است. نرخی که بالاترین نرخهای دنیاست.

الف) شرایط قبولی

برای استفاده از برنامه باید حداقل ده هفته سابقه کار قبلی داشت و گاهی حتی

چهارده هفته (برحسب نرخ بیکاری منطقه)

دریافت مقرری به ۳ مرحله تقسیم می شود:

در مرحله اول بیکاران بعد از گذراندن دوره انتظار دو هفته‌ای، حق دریافت یک هفته مقرری را برای هر هفته سابقه کار تا حداکثر ۲۵ هفته دارند. در مرحله دوم اگر کارگری بیش از ۲۶ هفته سابقه کار داشته باشد حق دریافت مقرری به ازای هر دو هفته سابقه کاری یک هفته حق دریافت یک مقرری علاوه بر مقرری قبلی را خواهد داشت. مثلاً بیکاری که ۲۹ هفته سابقه کار داشته باشد حق دریافت دو هفته مقرری اضافی دارد. در مرحله سوم، هرچه سابقه کار کارگر بیش از حداقل لازم باشد ذی نفع مقرری بیشتری دریافت خواهد کرد.

ب) مزایا

نرخ مقرری برابر ۶۰ درصد دستمزد قبلی بیمه شده است. این دستمزد متوسط دستمزد مشمول بیمه در طول ۵۲ هفته قبل از بیکاری است. دستمزد مشمول بیمه، سقفی دارد که اندکی کمتر از متوسط دستمزد است.

اشخاصی که دست کم ۲۰ هفته سابقه کاری در طول ۵۲ هفته داشته باشند حق دریافت مقرری مخصوص بیماری یا بارداری یا بازنشستگی را دارا هستند.

به بیکاران فصلی مقرریهای مخصوص تعلق می گیرد که شامل صیادان آزاد نیز می شود. به کارگران پاره وقت یا کارگرانی که در برنامه مخصوص حرفه‌ای یا آموزشی که از طرف کمیسیون اشتغال و مهاجران اداره می شود، شرکت جویند مقرری مخصوص پرداخت می شود.

ج) حق بیمه و هزینه

نرخ حق بیمه در سال ۱۹۸۳ برای کارگر ۲/۳ درصد دستمزد مشمول بیمه با یک حداکثر ۴۶۰/۷۲ دلاری در سال و برای کارفرما ۳/۲ درصد بود.

دولت فدرال تمامی هزینه مرحله‌های سه گانه را (بیکاریهای مربوط به نرخ بیکاریهای شدید که بیش از ۴ درصد باشد) می پردازد.

گرامت بیکاری در کانادا را می توان به چهار دوره تقسیم کرد:

دوره اول (۱۹۴۰-۱۹۴۵):

در این دوره بیمه بیکاری پدید آمده و رو به گسترش نهاده است. می توان اذعان کرد که این بیمه در ابتدا کاملاً براساس اصول بیمه‌ای استوار بوده. حق بیمه‌ای که براساس محاسبات اکتواری تعیین شده بود با پرداختها متعادل بود. در مواردی که احتمال یافتن

کار صفر بود (ازکارافتادگی، کارمندی، استادی و ...) یا آنکه وقوع بیکاری حتمی بود (بیکاریهای فصلی) از بیمه مستثنی می‌بود. بنابراین اصول بیمه‌ای دقیقاً رعایت می‌شد. نرخ مقرری ۵۳ درصد دستمزد قبلی بود. شرط استفاده از مقرری دارا بودن ۳۰ هفته کار در دو سال قبل بود. هر دوره ۵ هفته‌ای تنها حق دریافت یک هفته مقرری را ایجاد می‌کرد. پس فردی که حداقل ۳۰ هفته سابقه کاری داشت فقط ۶ هفته مقرری دریافت می‌کرد. مدت انتظار ۹ روز بود. قسمتی از هزینه صندوق را دولت تأمین می‌کرد. به علت بالا رفتن نرخ بیکاری (۴ درصد) ذخیره صندوق روبه کاهش نهاد.

دوره دوم (۱۹۵۵-۱۹۷۰)

در این دوره نخستین انحراف از اصول بیمه‌ای آغاز شد. بیکاران فصلی مانند صیادان مشمول بیمه شدند. همچنین طبقاتی از جامعه که احتمال بیکاری‌شان ضعیف بود در عداد بیمه‌شدگان قرار گرفتند. با آنکه طبقات مختلف دارای نرخ بیکاری متفاوتی بودند نرخ حق بیمه برای همه یکسان بود. تغییرات مهم دیگری نیز در این دوره روی داد و آن اینکه رابطه مدت کار قبلی به مدت مقرری از ۵ به ۱ و سپس از ۲ به ۱ تبدیل شد. یعنی ۲ هفته سابقه کار حق دریافت یک هفته مقرری را دارا شد. به عبارت دیگر به سابقه کار بهای بیشتری داده شد. نرخ حق بیمه که در ۱۹۵۰، ۳/۶ درصد بود در پایان این دوره به ۲/۳ درصد کاهش یافت.

دوره سوم (۱۹۷۱-۱۹۷۶)

در این دوره بعضی از پارامترهای بزرگ برنامه تغییر کرد و بسیاری از آنها کاملتر شد. نرخ شمول بیمه که ۸۰ درصد بود به ۹۶ درصد (کارگران) افزایش یافت. تنها کارگران آزاد که برای خود کار می‌کردند و همسران آنان که کار می‌کردند از پرداخت حق بیمه مستثنی بودند.

نرخ مقرری که قبلاً ۵۰ درصد بود برای همه به ۶۶/۷ درصد افزایش داده شد مگر استفاده‌کنندگان با افراد تحت تکفل متعلق به مرحله ۲ که برای آنان این نرخ به ۷۵ درصد بالغ شد.

دوره چهارم (۱۹۷۷-۱۹۸۶)

در این دوره سه اقدام اساسی صورت گرفت: تقلیل نرخ مقرری، برقراری مجدد رابطه نزدیکتر بین سابقه کار و مدت مقرری و افزایش حق بیمه. مقرریهای ۷۵ درصد برای افرادی که عایله‌مند بودند، نخست به ۶۶/۷ درصد و سپس به ۶۰ درصد تقلیل یافت. نرخ حق بیمه بیش از ۶۰ درصد افزایش یافت و سهم

کارفرما به ۲/۳ درصد تبدیل شد و سهم دولت در هزینه‌ها به ۱۹ درصد تقلیل داده شد که پایین‌ترین سطح در تاریخچه این بیمه است. در وضع کنونی حداقل مدت سابقه کار برای آن دسته از نواحی که نرخ بیکاری بیش از ۴ درصد دارند ۱۰ هفته و در نواحی که نرخ بیکاری کمی دارند ۱۴ هفته است.

نرخ مقرری از سال ۱۹۷۹ به ۶۰ درصد تثبیت شد و مدت پرداخت مقرری برابر با ۲/۵ هفته در برابر یک هفته کار. نرخ حق‌بیمه در ۱۹۸۳، ۶۰ درصد افزایش یافت و به ۵/۵ درصد رسید.

۵. بیکاری در سوئد

(۱) نرخ بیکاری (پایان سال ۱۹۸۳) ۳/۳ درصد

(۲) تعداد بیکاران (مارس ۱۹۸۴) ۱۳۴,۰۰۰ نفر

(۳) تعداد بیکاران غرامت گرفته (مارس ۱۹۸۴) ۱۲۴,۰۰۰ نفر

(۴) کل هزینه جبران غرامت (پایان سال ۱۹۸۳) ۵/۶ میلیارد کورون

جبران زیان بیکاری سوئدبها با مقایسه با روشهای مورد بررسی دارای ویژگیهایی است. سوئد بسیار زود برنامه ایجاد شغل و جذب بیکاری را مورد توجه خاص قرار داد. سیاست شغلی در این کشور از هدفهای عمده اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بوده است. سیستم جبران زیان از ۱۹۳۴ آغاز گشت و آخرین بازنگری در آن در ۱۹۷۴ صورت گرفت. این اصلاح، مسؤلیت اجتماعی بیشتری به عهده کارفرمایان محول ساخت. از مشخصات این سیستم اهمیت صندوقهای سندیکایی در جبران زیان است و نقش کنوانسیونهای سندیکاها در مورد درآمد و شغل اعضای آن امر اساسی است.

ویژگی روش جبران زیان بیکاری در سوئد

نرخ بیکاری در سوئد در ۱۹۸۶ بالغ بر ۲/۷ درصد بوده است. از این رو نقش رفع جبران زیان بیکاری در آنجا نسبتاً کم است. این نرخ بیکاری که کمترین نرخ مشاهده شده در ۵ کشور مورد بررسی است در سایه موفقیتی بوده که در اجرای سیاستهای شغلی در سالهای دهه ۱۹۶۰ نصیب این کشور شده است. گذشته از آن بین سیاستهای مثبت و منفی، چه در تشکیلات مالی و چه در هدفها همبستگی کامل وجود دارد.

ساختار روش جبران زیان

طبیعت سیستم جبران زیان در سوئد سندیکایی است: از ۱۹۷۴ تاکنون، عضویت در سندیکا به منزله قبول بیمه بیکاری است. افرادی که عضو سندیکا نیستند اجباری ندارند

عضو صندوق باشند. پس در سوئد بیمه بیکاری اجباری نیست. اشخاص غیر سندیکایی هم می‌توانند به‌طور انفرادی به عضویت سندیکا درآیند و از مزایای بیمه بیکاری استفاده کنند.

جبران زیان بیکاری به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش بیمه‌ای و بخش کمکی.

هزینه‌ها و مقریها

صندوقهای بیمه بیکاری را سندیکاها اداره می‌کنند. نیاز مالی صندوقها، از یک سو با حق بیمه اعضا و از سوی دیگر با کمک دولت تأمین می‌شود که میزان آن تا دوسوم سهم کارفرمایان می‌رسد که تنها ۱۰ درصد هزینه کل جبران غرامت را تأمین می‌کند. مقریها به‌طور مقطوع تعیین می‌شود. مدت دریافت مقری برای افراد کمتر از ۵۵ سال ۳۰۰ روز و برای افراد بیش از ۵۵ سال ۴۵۰ روز است. این روش از سال ۱۹۷۴ برقرار شده است.

روش کمک

به موازات جبران زیان، روش کمک نیز وجود دارد که نزدیک به ۱۵ درصد بیکاران از آن استفاده می‌کنند. این غرامتها را دولت مستقیماً پرداخت می‌کند و مبلغ آن کم و مقطوع و مدت پرداخت آن در مقایسه با سایر روشهای مورد بررسی کوتاه است (۱۵۰ روز). در نتیجه نرخهای جانشینی دستمزدهای از دست رفته نسبتاً پایین است. مدت پرداخت کم این غرامت نشانه آن است که ۳۰ درصد بیکاران با وجود پایین بودن نسبی نرخ بیکاری بلندمدت غرامت دریافت نمی‌دارند: در ۱۹۸۶ بیکاریهای ۶ ماهه و بیشتر از آن ۲۳/۴ درصد و بیکاری بیش از ۱۲ ماه فقط ۹/۸ درصد کل بیکاران را تشکیل می‌داد. در سوئد، بیکاری بلندمدت به ندرت دیده می‌شود. این امر بیش از همه مربوط به سیاست مثبت شغلی است و وجود یک برنامه گسترده کمک تأثیر اندکی در این امر دارد. در پایان سالهای دهه ۱۹۶۰، رونق و فراوانی کار هدف مهم سیاست اقتصادی و اجتماعی بود. به‌زودی تدابیری برای تحرک‌پذیری جغرافیایی نیروی کار اتخاذ شد، اگر در سال ۱۹۷۱ نرخ بیکاری افزایش چندانی نداشته، به سه عامل دیگر وابسته بوده است:

۱. تشویق در کاهش زمان کار

۲. تقلیل شدید مهاجرت

۳. توجه بیش از پیش به تدابیر و مقررات برای حفظ بازار کار

تا سال ۱۹۷۹ محور اصلی سیاست شغلی بر این دور می‌زد که بیکاری را مهار

سازند. با این اعتقاد که نگهداری کارگر در مؤسسه بهتر از این است که بیکار شود. مؤسسه‌هایی که به سبب مشکلات اقتصادی، در صدد اخراج کارگران برمی‌آمدند اما می‌پذیرفتند که آنها را نگه دارند، دولت ۲۰ تا ۸۰ درصد دستمزد کارگران ماندگار را پرداخت می‌کرد.

از سال ۱۹۷۹ تشویق در تحرک و در ایجاد شغل مورد تأکید قرار گرفت. به این نحو که تقاضای کار را در بعضی رشته‌ها تشویق کردند و به استخدام کارگران جدید سوسید دادند که به تدریج مقدارش کاهش می‌یافت. همچنین برای حفظ تعادل در نرخ بیکاری مناطق مختلف، تحرک‌پذیری را تشویق کردند. به موازات این برنامه‌ها به گسترش برنامه‌های «کارهای کمکی» مشاغل تحت حمایت اقدام و غالباً ساعات کار را کم کردند.

پی‌نوشت

1. Social Security, Programs Throughout the World 1981. US Department of Health and Human Services, 1981

۲. در تمام جهان جمعاً ۱۷۰ کشور کوچک و بزرگ وجود دارند.

۳. این ۲۹ کشور عبارت‌اند از: ۲۴ کشور صنعتی جهان (افریقای جنوبی، آلمان، اتریش، استرالیا، بلژیک، کانادا، دانمارک، اسپانیا، امریکا، فنلاند، فرانسه، یونان، ایرلند، ایسلند، ایتالیا، ژاپن، لوکزامبورگ، نروژ، زلاندنو، هلند، پرتغال، انگلستان، سوئد، سوئیس)، و سه کشور سوسیالیست (بلغارستان، اکوادور و اروگوئه) و ۲ کشور خاورمیانه (مصر و اسرائیل).

4. moral hazard

۵. بیمه بیکاری کشور ما شامل این دسته از جوانان جویای کار نیست. امروزه بیمه بیکاری برخی از کشورهای صنعتی جهان، این دسته از جوانان را تا یافتن کار تأمین می‌بخشد.

6. community rating

7. unemployment benefit

8. supplementary benefit

9. redundancy fund

۱۰. در سیستم بریتانیا حق‌بیمه و مقرری به افساط هفتگی تعریف می‌شود. اگر خلاف آن قید نشده باشد تمام ارقام باید بر این مبنا در نظر گرفته شود.